

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان‌شناسی
گروه زبان‌شناسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی

جملات شرطی در زبان فارسی: رویکردی شناختی

استاد راهنما:
دکتر محمد دبیرمقدم

استاد مشاور:
دکتر ایران کلباسی

پژوهشگر:
مهدی رستمی

دی‌ماه ۱۳۸۹

به نشانه حق‌گزاری و به رسم ادب

تقدیم به یاد و خاطره استاد سفر کرده‌مان:

دکتر علی محمد حق‌شناس

سپاسگزاری:

نگارنده این پایان نامه بر خود واجب می‌داند مراتب قدردانی و سپاسگزاری خود را نسبت به آنانی که هر یک به نحوی در انجام این پژوهش یار و یابری بوده‌اند ابراز دارد.

برای همیشه سپاسگزار مادر و پدر مهربان و خواهر نازنینم هستم، که یار همیشگی‌ام بوده‌اند.

تشکر و سپاس فراوان دارم از اساتید بزرگوار پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به ویژه جناب آقای دکتر مصطفی عاصی و جناب آقای دکتر یحیی مدرسی، که از محضر این بزرگواران بسیار آموختم.

تشکر می‌کنم از دوست عزیزم آقای نوید نادری، از دانشگاه لایدن، که نسخه‌هایی از منابع اصلی این پژوهش را برایم ارسال نمود.

سپاس بسیار دارم از پروفسور ایو سویتسر، از دانشگاه برکلی، و دکتر باربارا دانسی‌گیر، از دانشگاه بریتیش کلمبیا، که از سر لطف بسیار نسخه‌هایی الکترونیکی از مقالات و کتاب خود را در اختیارم نهادند. ایشان را از صمیم قلب سپاسگزارم.

مراتب سپاس و قدردانی خویش را به استاد بزرگوار سرکار خانم دکتر نعمت‌زاده اعلام می‌دارم که زحمت داوری این پایان‌نامه را بر عهده گرفتند. خدای را شاکرم که نوشته‌ام به رویت ایشان رسیده و از ایشان نکاتی می‌آموزم.

زحمت مشاوره این پایان‌نامه بر دوش استاد بزرگوار و مهربانم سرکار خانم دکتر ایران کلباسی بود. از محضر ایشان در کلاس‌های‌شان بسیار آموخته بودم و نگارش این پایان‌نامه بهانه‌ای شد تا بیشتر از تیزبینی و دقت ایشان بهره‌مند گردم. صمیمانه ایشان را سپاس دارم و قدردان زحمات‌شان هستم.

نگارش این پایان‌نامه بی‌راهنمایی‌های ارزشمند و روشنگر استاد فرزانه‌ام، جناب آقای دکتر محمد دبیرمقدم، ممکن نمی‌گشت. حکایت ما و ایشان حکایت سر ارادت ما و آستان حضرت اوست. در محضر ایشان فراوان آموختم. برای همیشه مرهون الطافش هستم. از ایشان سپاسگزارم.

چکیده:

نظریه فضاهای ذهنی، که توسط ژیل فوکونیه و مارک ترنر معرفی شده است، تا به حال زمینه‌ای مناسب برای انجام تحقیقات در حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی و زبان‌های گوناگون به دست داده است. یکی از کاربردهای این نظریه، استفاده دانسی‌گیر و سویتسر از آن در بررسی ساخت‌های شرطی زبان انگلیسی است.

پژوهش حاضر در چارچوب نظریه فضاهای ذهنی و با مدّ نظر قرار دادن آرا و روش سویتسر و دانسی‌گیر به بررسی ساخت‌های شرطی در زبان فارسی پرداخته است. ساخت‌های شرطی همواره مورد توجه بسیاری از پژوهش‌ها بوده‌اند. پژوهش‌هایی که، چه در حوزه منطق و چه در حوزه دستور زبان، هرگز نتوانسته‌اند تصویری کامل از معنی و کارکرد این ساخت‌ها در زبان به دست دهند. رویکرد سویتسر و دانسی‌گیر از طرفی نه به صدق و کذب مورد عنایت منطقیون نظر دارد و نه به دسته‌بندی‌های دستوریان سنتی توجه می‌کند. در این رویکرد دسته‌بندی‌ای چهارگانه از جملات شرطی ارائه می‌شود: شرطی‌های سطح محتوا، شرطی‌های فرازبانی، شرطی‌های معرفتی و شرطی‌های کارگفتی. در پژوهش حاضر این دسته‌بندی با داده‌های زبان فارسی محک خورده است. بنا به داده‌های این پژوهش این دسته‌بندی در زبان فارسی نیز دیده می‌شود و برای هر یک از این دسته‌ها نمونه‌هایی در بین داده‌های زبان فارسی به دست آمد.

در این رویکرد واژه *then* کارکردی ارجاعی و اشاری به یک فضای ذهنی دارد. چنین کارکردی در مورد واژه‌هایی که بر سر بند جواب شرط در زبان فارسی می‌آیند بررسی شد. «آنوقت، آنگاه، در آن صورت، در این صورت، آن موقع» را می‌توان دارای چنین کارکردی دانست، اما واژه‌های «دیگر و پس» نیاز به بررسی‌های بیشتر دارند. اگرچه دیده شد که به هر حال حضور این دست واژه‌ها در آغاز بند جواب شرط تعبیری پیش‌بینی‌ای و نیز خوانشی دوشرطی از ساخت‌های شرطی را تقویت می‌کند؛ اما عدم حضور این واژه‌ها نیز به معنای از دست دادن چنین معنایی در ساخت‌های شرطی نیست.

کلید واژه‌ها: جمله شرطی، ساخت شرطی، دسته‌بندی شرطی‌ها، سویتسر، دانسی‌ژیر، زبان‌شناسی شناختی، فضاهای ذهنی، زبان فارسی.

فهرست مطالب :

بسم الله	الف
عنوان	ب
تصویب نامه	پ
اهدا	ت
سپاسگزاری	ث
چکیده	ج
فهرست مطالب	ح
فهرست نمودارها	ذ

فصل یک: مقدمه ۱-۶

۱-۱. بیان مساله و موضوع مورد بررسی	۲
۲-۱. سؤال ها و فرضیه های پژوهش	۴
۳-۱. اهمیت و اهداف پژوهش	۵
۴-۱. روش شناسی پژوهش	۶
۵-۱. سازمان بندی پایان نامه	۶

فصل دو: پیشینه مطالعات ۷-۳۶

۱-۲. شرطی ها نزد فلاسفه و منطقیون	۸
۲-۲. رویکردهای دستورنویسان و زبان شناسان	۱۲
۳-۲. سنت دستورنویسان زبان فارسی	۱۹
۴-۲. جمع بندی و خلاصه فصل	۳۶

فصل سه: چارچوب نظری ۳۷-۱۰۰

۱-۳. مقدمه	۳۸
۲-۳. زبان شناسی شناختی: مقدمات	۳۹
۱-۲-۳. بنیادهای رویکرد شناختی	۴۰
۲-۲-۳. روان شناسی شناختی	۴۶
۳-۲-۳. دستور شناختی	۵۳

۵۷	۳-۳. فضاهای ذهنی
۵۹	۳-۳.۱. فضاها
۶۰	۳-۳.۲. نگاشت
۶۲	۳-۳.۳. پیش‌انگاری
۶۳	۳-۳.۴. آمیختگی
۶۵	۳-۳.۵. شبکه فضاهای ذهنی
۷۷	۳-۴. رویکرد سويتسر و دانسی‌گیر در تحليل شرطی‌های انگلیسی
۷۸	۳-۴.۱. دانسی‌گیر و سويتسر ۱۹۹۶ (الف)
۸۵	۳-۴.۱.۱. شرطی‌های سطح محتوا
۸۵	۳-۴.۱.۲. شرطی‌های فرازبانی
۸۸	۳-۴.۱.۳. شرطی‌های معرفتی
۸۸	۳-۴.۱.۴. شرطی‌های کارگفتی
۸۸	۳-۴.۲. دانسی‌گیر و سويتسر ۱۹۹۶ (ب)
۹۳	۳-۴.۳. دانسی‌گیر و سويتسر ۲۰۰۵
۹۸	۳-۵. جمع‌بندی و خلاصه فصل

فصل چهار: تحليل داده‌ها ۱۰۱ - ۱۲۳

۱۰۲	۴-۱. نحوه جمع‌آوری داده‌ها
۱۰۳	۴-۲. دسته‌بندی و تحليل داده‌ها
۱۰۴	۴-۱-۲. شرطی‌های سطح محتوا
۱۰۴	۴-۱-۱. شرطی‌های سطح محتوا با موضع معرفتی خنثی
۱۱۵	۴-۱-۲. شرطی‌های سطح محتوا با موضع معرفتی منفی
۱۲۰	۴-۲-۲. شرطی‌های فرازبانی
۱۲۱	۴-۲-۳. شرطی‌های معرفتی
۱۲۲	۴-۲-۴. شرطی‌های کارگفتی
۱۲۳	۴-۳. جمع‌بندی و خلاصه فصل

فصل پنج: خلاصه و نتیجه‌گیری ۱۲۴ - ۱۲۷

۱۲۵	۵-۱. نتیجه‌گیری و پاسخ به سوالات پژوهش
۱۲۸	۵-۲. موضوعاتی برای تحقیقات آتی

۱۲۹ کتابنامه
۱۲۹ الف) منابع فارسی
۱۳۱ ب) منابع غیرفارسی
۱۳۵ واژه‌نامه انگلیسی به فارسی
۱۳۸ واژه‌نامه فارسی به انگلیسی
۱۴۱ چکیده انگلیسی (<i>abstract</i>)
۱۴۲ صفحه عنوان انگلیسی

فهرست نمودارها :

- نمودار ۳.۱: طرح کلی ساختمان شناختی ۴۸
- نمودار ۳.۲: مفهوم شبکه برای گزاره‌ها ۵۲
- نمودار ۳.۳: تفاوت خوانش معین و نامعین ۶۱
- نمودار ۳.۴: فضای درون داد ۶۹
- نمودار ۳.۵: فضای دورن داد ۶۹
- نمودار ۳.۶: نگاشت‌های بینافضایی ۷۰
- نمودار ۳.۷: فضای پایه ۷۱
- نمودار ۳.۸: فضای آمیخته ۷۲
- نمودار ۳.۹: الگوی شبکه‌ای ۷۵
- نمودار ۳.۱۰: فضاهای ذهنی جایگزین ۸۰
- نمودار ۳.۱۱: موضع معرفتی منفی ۸۲
- نمودار ۳.۱۲: فضاهای کاملاً جایگزین در شرطی‌های فرازبانی ۸۶
- نمودار ۳.۱۳: فضاهای نه کاملاً جایگزین در شرطی‌های فرازبانی ۸۷

فصل اول

مقدمه

فصل اول: مقدمه

۱-۱. بیان مساله و موضوع مورد بررسی

جملات شرطی به مدتی بسیار طولانی در کانون توجه هر نوع پژوهش در باب شیوه کارکرد ذهن انسان برای استدلال بوده اند. منطق، فلسفه، روان‌شناسی و زبان‌شناسی هر یک از زاویه‌ای سوالاتی در مورد این دسته از جملات مطرح کرده و هر رویکرد بسته به نقطه اتکای نظری خویش و اهداف خاص خود پاسخی متفاوت به سوالات مطرح پیرامون جملات شرطی داده است.

در حالی که فلاسفه عمدتاً ساخت‌های شرطی را نشانه‌ای از قوه استدلال منطقی ذهن انسان در نظر گرفته و به آن علاقه نشان داده‌اند؛ پژوهش‌گران زبان، چه زبان‌شناسان و چه دستوریان، بیشتر به مسایلی از قبیل نحوه انتخاب فعل‌ها، زمان‌های فعلی به کار رفته، وجه، نحوه کنار هم آمدن دو بند یک جمله شرطی، نشان‌گرهای شرطی (همچون *if, only if, even if, ...*) و از این دست متمرکز شده‌اند.

پژوهش حاضر قصد آن دارد تا در حوزه زبان‌شناسی شناختی به بررسی جملات شرطی زبان فارسی بپردازد. اوانز و گرین^۱ (۲۰۰۶: صص ۲-۳) پیدایش زبان‌شناسی شناختی را در دهه هفتاد میلادی دانسته‌اند. ایشان زبان‌شناسی شناختی را از جهتی واکنشی به صورت‌گرایی و عقل‌گرایی دستور زایشی، و از طرفی متأثر از انقلاب شناختی و پیدایش علوم شناختی در دهه شصت میلادی به حساب می‌آورند.

¹ Evans, Vyvyan and Melani Green

علوم شناختی^۱ در دهه شصت میلادی با گسترش تحقیقات در حوزه‌های فلسفه ذهن و شناخت، عصب-شناسی نو، روان‌شناسی شناختی و هوش مصنوعی پا گرفت.

یکی از مفاهیم مهم مطرح شده در این رویکرد، مفهوم «فضاهای ذهنی»^۲ است که توسط ژیل فوکونیه^۳ و مارک ترنر^۴ در دهه ۱۹۸۰ مطرح شده است و تا به امروز تحقیقات بسیاری مبتنی بر آن انجام یافته‌اند و کماکان یکی از مهم‌ترین بخش‌های زبان‌شناسی شناختی است. فضاهای ذهنی را می‌توان به مجموعه‌ای کوچک تشبیه نمود که بنابر الگوهای شناختی^۵ به وجود می‌آیند. فوکونیه (۱۹۹۴: ۱) معتقد است زبان از حوزه‌هایی تشکیل یافته که به هنگام ایجاد گفتمان شکل می‌گیرند. این حوزه‌ها فضاهای ذهنی نام دارند. فضاهای ذهنی قسمتی از زبان نیستند، بلکه زبان بدون آن‌ها اصلاً امکان تجلی نمی‌یابد.

یکی از موارد اخیر استفاده از مفهوم فضاهای ذهنی در بررسی‌های زبان‌شناختی، تحلیل‌های ارائه شده توسط /یو سویتسر^۶ و باربارا دانسی‌گیر^۷ در مورد ساخت شرطی در زبان انگلیسی است که بر نظریه فضاهای ذهنی فوکونیه و ترنر مبتنی است. توجه ما بیشتر به دو مقاله ایشان در سال ۱۹۹۶ و به ویژه کتاب سال ۲۰۰۵ می‌باشد. ایشان معتقدند در زبان انگلیسی ساخت شرطی به طرق مختلف بازنمایی می‌یابد. تقسیم‌بندی ارائه شده از طرف ایشان مبتنی بر معنی جملات بوده و اصولاً با هر نوع تقسیم‌بندی تا به حال انجام شده (رجوع شود به بخش پیشینه مطالعات) متفاوت است. ایشان همچنین به بررسی واژه «*then*» در ساخت‌های شرطی پرداخته و حضور یا عدم حضور آن را تحلیل می‌کنند. دیگر مسأله مورد توجه رابطه و مقایسه ساخت‌های شرطی با ساخت‌های دارای قید زمان است. مثلاً دو جمله (الف) و (ب) را در نظر بگیریم:

(الف) اگر بیاید من می‌روم.

(ب) وقتی بیاید من می‌روم.

جمله اول شرطی و دیگری دارای قید زمان است. اما شباهت این دو جمله در چیست؟ و اصولاً چرا باید جمله شرطی از جمله دیگر، که دارای قید زمان است، متمایز دسته‌بندی شود؟ سویتسر و دانسی‌گیر سوالاتی از این دست را در چارچوب نظریه فضاهای ذهنی مطرح کرده و پاسخ می‌دهند.

¹ cognitive science

² mental spaces

³ Fauconnier, Gilles

⁴ Turner, Mark

⁵ cognitive models

⁶ Sweetser, Eve

⁷ Dancygier, Barbara

۱-۲. سؤال‌ها و فرضیه‌های پژوهش

این پژوهش قصد آن دارد تا با تکیه بر نظریه فضا‌های ذهنی به بررسی ساخت شرطی در زبان فارسی بپردازد. در این راستا کار انجام شده توسط سویتسر و دانسی‌گیر (۲۰۰۵) مد نظر و در واقع چارچوب نظری پژوهش حاضر است. دو سوال عمده در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهند گرفت که عبارت اند از:

سوالات اصلی :

۱. ساخت شرطی در زبان فارسی به چند صورت بازنمایی می‌شود؟
۲. آزمودن دسته‌بندی سویتسر و دانسی‌گیر از جملات شرطی در مورد زبان فارسی چه نتایجی را به دست می‌دهد؟

همچنین سوالاتی در کنار این سوالات اولیه شکل گرفته‌اند که تا حد امکان (چه به لحاظ نظری و چه به لحاظ داده‌های زبانی) در صدد یافتن پاسخ به آن‌ها خواهیم بود:

سوالات فرعی :

۳. در تحلیل سویتسر و دانسی‌گیر، معنای *then* در جملات شرطی با معنای اشاره‌ای این واژه به زمان ارتباط دارد؛ در فارسی چه ارتباطی میان واژه‌هایی همچون « *آنگاه*، *آن وقت*، *در آن صورت*، *پس*، *بنابراین*، *در نتیجه*، ... » که بر سر جمله به اصطلاح *جواب شرط* می‌آیند با معنای آن‌ها در بافت‌های دیگر وجود دارد؟
۴. در تحلیل‌های صوری نحوی عموماً جملات شرطی مانند جملات دارای بند قید زمان در نظر گرفته شده و تحلیل می‌شوند (هگه‌من^۱: زیرچاپ)؛ داده‌های زبان فارسی تا چه اندازه این نظریه را تقویت می‌کنند؟
به عبارتی دیگر چه رابطه معنایی یا نحوی میان جملاتی که دارای ادات شرط هستند با آن‌هایی که دارای واژه‌هایی برای نشان دادن زمان یا علت اند وجود دارد؟ جملاتی نظیر مثال‌های زیر:
 - اگر بیاید، من می‌روم.
 - وقتی بیاید، من می‌روم.
 - با آمدنش، من می‌روم.
 - آمدن او باعث رفتن من می‌شود.
۵. حضور یا عدم حضور « *آنگاه*، *آن وقت*، *در آن صورت*، *پس*، *بنابراین*، *در نتیجه*، ... » در جملات شرطی چه تفاوت‌های نحوی یا معنایی ایجاد می‌کند؟

¹ Haegeman, Liliane

۶. سویتسر و دانسی‌گیر قائل به تفاوت‌هایی صوری میان شرطی‌های پیش‌بینی‌ای^۱ و شرطی‌های غیرپیش‌بینی‌ای^۲ هستند. آزمودن این دسته‌بندی در زبان فارسی چه نتایجی به دست می‌دهد؟

بر اساس سوالات اصلی مطرح شده دو فرضیه در این پژوهش وجود دارد که عبارت اند از:

۱. بازنمایی ساخت شرطی در زبان فارسی به چند صورت مختلف است.
۲. دسته‌بندی چهارگانه سویتسر و دانسی‌گیر از شرطی‌ها در مورد زبان فارسی نیز کاربرد دارد.

۳-۱. اهمیت و اهداف پژوهش

توصیف‌هایی که از جملات شرطی فارسی شده است بسیار اندک اند. می‌توان گفت جز مطالب دستوره‌های سنتی، کارهایی بسیار قلیل در این زمینه انجام شده‌اند. تنها پایان‌نامه یافت شده در این زمینه عبارت بود از:

رحیمی، نعمت‌ا... (۱۳۸۰) توصیف جملات شرطی و رابطه آن با وجه در زبان فارسی امروز؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی: دکتر مصطفی عاصی؛ دانشگاه علامه طباطبایی.

از سویی دیگر پژوهش‌های انجام شده در قالب زبان‌شناسی شناختی، و بالاخص نظریه فضا‌های ذهنی، بر روی زبان فارسی اندک است. یعنی از سویی پرداختن به جملات شرطی و از سویی دیگر پژوهش در حوزه زبان‌شناسی شناختی امری است فی نفسه جذاب. پژوهش حاضر سعی بر آن دارد تا این امر را محقق سازد.

بنابر آنچه گفته شد اهداف این پژوهش عبارت اند از:

۱. ارائه توصیفی از جملات شرطی در زبان فارسی با رویکردی توصیفی و شناختی است.
۲. بررسی انواع بازنمایی‌های ساخت شرطی در زبان فارسی.
۳. آزمودن یک نظریه شناختی با داده‌های زبان فارسی.

¹ predictive

² non-predictive

۴-۱. روش‌شناسی پژوهش

برای انجام این پژوهش نگارنده قصد آن دارد تا نخست نمونه‌هایی از ساخت‌های شرطی زبان فارسی تهیه کند. ویژگی مهم این نمونه‌ها این است که تنها محدود به فارسی معاصر هستند. با توجه به اینکه ساخت شرطی در طول حیات زبان فارسی دچار تغییر و تحول شده است؛ و حتی جملات شرطی فارسی قرون پنج و شش با فارسی دوران معاصر در پاره‌ای موارد تفاوت‌هایی را نشان می‌دهند،^۱ پژوهشگر قلمرو پژوهش حاضر را به فارسی معاصر محدود نموده. داده‌ها به نمونه‌های گونه‌نوشتاری محدود است. این داده‌ها از « پایگاه داده‌های زبان فارسی » استخراج شده‌اند. پس از به دست آمدن این داده‌ها و نمونه‌ها، سعی در جهت تحلیل آن‌ها و دسته‌بندی آن‌ها بر مبنای چارچوب ارائه شده توسط سویتسر و دانسی‌گیر (۲۰۰۵) صورت گرفت.

۵-۱. سازمان‌بندی پایان‌نامه

پایان‌نامه حاضر از پنج فصل تشکیل شده است:

(۱) فصل اول: مقدمه

(۲) فصل دوم: پیشینه مطالعات

(۳) فصل سوم: چارچوب نظری

(۴) فصل چهارم: تحلیل داده‌ها

(۵) فصل پنجم: خلاصه و نتیجه‌گیری

مقدمه مشتمل است بر: بیان مساله و موضوع مورد بررسی، سؤال‌ها و فرضیه‌های پژوهش، اهمیت و اهداف پژوهش، روش‌شناسی پژوهش و سازمان‌بندی پایان‌نامه. در فصل پیشینه مطالعات، مروری بر عمده تحقیقات انجام شده بر روی جملات شرطی صورت می‌گیرد؛ چه تحقیقات انجام شده عمده و مهم توسط زبان‌شناسان غیرایرانی و بر روی زبانی غیر از فارسی، و چه پژوهش‌های زبان‌شناسان یا دستوریان بر روی زبان فارسی مورد نظر است. فصل سوم به معرفی فضاهای ذهنی، و سپس نظریه سویتسر و دانسی‌گیر در تحلیل ساخت‌های شرطی خواهد پرداخت. در فصل چهارم داده‌های زبان فارسی با نظریه ارائه شده در فصل پیشین سنجیده خواهند شد و در فصل نهایی نتیجه‌گیری این پژوهش خواهد آمد. پایان‌نامه همچنین مشتمل بر کتاب‌نامه و واژه‌نامه فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی است.

۱. به عنوان مثال استفاده از «ی» نشانه وجه شرطی. مانند جمله « اگر این دانستمی، باری پذیرفتمی. » (سیاست‌نامه - خواجه نظام‌الملک) که این موارد در فارسی معاصر دیده نمی‌شوند.

فصل دوم

پیشینه مطالعات

فصل دوم: پیشینه مطالعات

در این فصل به بررسی و معرفی نقطه نظرات بیان شده درباره ساخت شرطی می‌پردازیم. نخست مختصری به اهمیت این جملات نزد منطقیون و فلاسفه پرداخته و سپس دیدگاه‌های مختلف نسبت به شرطی‌ها را در دو بخش بیان می‌کنیم. بخش اول به بیان نگاه دستورنویسان زبان انگلیسی پرداخته و نیز برخی رویکردهای عمده زبان‌شناسان نسبت به شرطی‌ها را معرفی می‌کند. در بخش دوم نیز آنچه دستورنویسان زبان فارسی در باب جملات شرطی در زبان فارسی بیان کرده‌اند را ذکر خواهیم نمود.

۲-۱. شرطی‌ها نزد فلاسفه و منطقیون

شاید بتوان مدعی شد مطالعه جملات شرطی در منطق قدمتی به اندازه خود منطق دارد. در همگی نظام‌های منطقی، از منطق قیاسی ارسطو تا منطق جدید بنیاد شده به دست فرگه^۱، بحث درباره جملات شرطی و انواع آن همواره مطرح بوده است.

خوانساری (۱۳۸۳ [۱۳۷۸]: ۱۹۱) توضیح می‌دهد که در منطق قدیم قضیه^۲ «گفتاری است که احتمال صدق و کذب در آن برود». وی (همان: ۱۹۳) قضیه را بر دو قسم می‌داند: قضیه حملی^۳ و قضیه

¹ Frege, Friedrich Ludwig Gottlob (1848 –1925)

² proposition

³ categoric proposition

شرطی^۱. سپس توضیح می‌دهد که قضیهٔ حملی آن است که «در آن چیزی را بدون هیچ شرطی به چیز دیگری اسناد داده باشند» مانند قضیهٔ «احمد خوشبخت است». قضیهٔ شرطی نیز قضیه‌ای است که «در آن حکم به ثبوت یا سلبِ نسبی کرده باشیم به شرط تحقق نسبی دیگر» مانند قضیهٔ «اگر احمد با فضیلت باشد، خوشبخت است». او (همان: ۲۴۷) قضیهٔ شرطی یا وضعی را به دو قسم می‌داند: قضیهٔ شرطیهٔ متصل^۲ و قضیهٔ شرطیهٔ منفصل^۳. وی (همان: ۲۴۸) در توضیح قضیهٔ شرطیهٔ متصل می‌گوید که قضیه‌ای است که «در آن حکم شده است به اتصال و پیوستگی و ملازمهٔ دو نسبت» یعنی قضیهٔ شرطیهٔ متصل، قضیه‌ای است که در آن «به ثبوت یا سلب نسبی به فرض ثبوت یا سلب نسبی دیگر» حکم شده است. وی سپس به اقسام و اجزاء و شرایط صدق و سلب و ایجاب این نوع قضایا می‌پردازد. در ادامه، خوانساری (همان: ۲۵۷) قضایای شرطیهٔ منفصل را توضیح می‌دهد. وی آن را قضیه‌ای می‌داند که در آن «به جدایی و عناد و انفصال دو یا چند نسبت» حکم شده است. مانند قضیهٔ «عالم یا قدیم است یا حادث». او در ادامه به اقسام و اجزاء و شرایط صدق و سلب و ایجاب این نوع قضایا می‌پردازد.

مفهوم دوشرطی^۴ نیز در نظام‌های منطقی مطرح می‌شود. موحد (۱۳۷۴: ۱۰) چنین توضیح می‌دهد که این مفهوم در منطق جمله‌ها وجود دارد و نماد ادات آن به شکل " ↔ " یا " ≡ " است و اغلب به صورت «اگر و تنها اگر» (یا به اختصار اتا) خوانده می‌شود. جدول ارزش این ادات بدین گونه است که «A اگر و تنها اگر B» صادق است اگر A و B هر دو صادق یا کاذب باشند. او توضیح می‌دهد که «A اگر و تنها اگر B» معادل است با «اگر A آنگاه B و اگر B آنگاه A».

در منطق جدید، رابطه‌ای بین سورها و جملات برقرار است به نحوی که می‌توان به عنوان مثال گزارهٔ «هر الفی ب است.» را به صورت «به ازای هر شی اگر آن شی الف باشد، آنگاه آن شی ب است.» تحلیل نمود. این گونه تحلیل هر جملهٔ دارای سور به یک جملهٔ شرطی راه را برای رسیدن به یکی از مهم‌ترین نظامات منطقی، یعنی منطق محمولات^۵، هموار کرد.

امروزه نگاه به شرطی‌ها عمدتاً به این صورت است که یک جملهٔ شرطی به عنوان ساختی دارای یک ادات دو موضعی^۶ و دو جملهٔ سازه‌ای^۱، یعنی مقدم^۲ و تالی^۳، لحاظ می‌شود (کمیت^۴ ۲۰۰۵: ۴۲۵).

.(

¹ hypothetical proposition

² conditional proposition

³ disjunctive proposition

⁴ biconditional

⁵ predicate logic

⁶ binary connective / two-place connective

در منطق صوری جملات شرطی به دو نوع تقسیم می‌شوند: شرطی‌های اخباری^۴ و شرطی‌های التزامی^۵ یا خلاف‌واقع^۶.

کمنت (۲۰۰۵: ۴۲۵) نمونه‌های زیر را به ترتیب برای شرطی اخباری و شرطی التزامی یا خلاف واقع می‌آورد:

(2.1) We will not go on the trip if it rains tomorrow.

(2.2) We would be playing tennis if it were not raining.

در مورد شرطی‌های اخباری دو نظریه عمده وجود دارد: نظریه تساوی^۷ و آزمون رمزی^۸.

این دو نظریه هر یک به نحوی صدق و کذب جملات شرطی اخباری را مورد بررسی قرار داده و ملاک‌هایی برای صدق یک گزاره به دست می‌دهند. طبق نظریه تساوی، جمله شرطی اخباری صادق است هرگاه که مقدم آن کاذب باشد و هرگاه که تالی آن صادق باشد.

اما مهم‌ترین انتقادی که به این نظریه صدق و کذب ایراد شده است از طرف گرایس^۹ وارد شده است. وی در مقاله سال ۱۹۷۵ خود با عنوان "منطق و گفتگو"^{۱۱} چنین بحث می‌کند که اگر علم گوینده درباره صدق و کذب جمله شرطی مبتنی بر علم او به صدق و کذب دو جمله شرط باشد، دیگر اصلاً لازم نیست گوینده جمله شرطی را تولید کند و صرفاً و به راحتی جمله تالی یا نقیض آن را بیان می‌کند. وی به درستی متذکر می‌شود که اصولاً وقتی جمله شرطی تولید می‌شود، شنونده فرض می‌کند که گوینده دلایلی دارد برای آنکه منظور و مفهوم جمله شرطی چیزی است فراتر از علم به ارزش صدق اجزای آن (نقل از کمنت (۲۰۰۵: ۴۲۵)).

¹ constituent sentence

² antecedent

³ consequence

⁴ Kment, Boris C. A.

⁵ indicative conditionals

⁶ subjunctive conditionals

⁷ counterfactuals

⁸ equivalence thesis

⁹ ramsey test

¹⁰ Grice, Herbert Paul

¹¹ "Logic and Conversation"

نظریه مهم دیگر درباره شرطی‌های اخباری به آزمون رمزی معروف است و توسط ریاضی‌دان انگلیسی فرانک رمزی^۱ در مقاله سال ۱۹۲۹ وی با عنوان "قانون و علت"^۲ مطرح شده است. در این نظریه میزان و درجه پذیرش صدق یک جمله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مهم‌ترین نظریه مطرح در مورد شرطی‌های التزامی یا خلاف‌واقع، نظریه جهان‌های ممکن^۳ است. این دسته از جملات شرطی، بخصوص در فلسفه زبان معاصر، برای تحلیل طیف وسیعی از مفاهیم مهم فلسفی همچون مباحث قوانین طبیعت، دانش، عقل‌گرایی عملی و آزادی عمل و غیره بسیار به کار رفته‌اند.

مفهوم جهان‌های ممکن در آرای فلسفی لاینیتس^۴ پرورده شد و در آثار کریپکی^۵ به وفور مورد مورد استفاده قرار می‌گیرد (به عنوان نمونه در جای‌جای این اثر: کریپکی ۱۹۸۰). این نظریه در دنیای منطقی مورد استقبال و البته انتقادهای فراوان قرار گرفته است. مهم‌ترین استفاده از آن را می‌توان در مقاله سال ۱۹۶۸/استالنیگر^۶ با عنوان "نظریه‌ای در باب شرطی‌ها"^۷ و کتاب مهم لوئیس^۸ تحت نام "خلاف-خلاف‌واقع‌ها"^۹ که در سال ۱۹۷۳ به چاپ رسید مشاهده نمود.

طبق این نظریه، آن جهان ممکن که در آن مقدم یک خلاف‌واقع صادق است، «جهان مقدم»^{۱۰} نام می‌گیرد. یک خلاف‌واقع تنها در صورتی صادق است که تالی آن در جهان‌های مقدماتی که بیشترین شباهت را به جهان واقعی داشته باشند صادق باشد.

رویکرد استالنیگر و لوئیس دارای دو تفاوت اساسی است: نظریه صدق استالنیگر هم برای شرطی‌های اخباری و هم برای شرطی‌های التزامی یا خلاف‌واقع کاربرد دارد حال آنکه لوئیس تنها به خلاف‌واقع‌ها می‌پردازد. همچنین طبق نظریه صدق استالنیگر همیشه حداقل یک جهان مقدم دارای بیشترین شباهت

¹ Ramsey, Frank Plumpton (1903 – 1930)

² "Law and Causality"

³ possible worlds theory

⁴ Leibniz, Gottfried Wilhelm (1646 – 1716)

⁵ Kripke, Saul Aaron

⁶ Stalnaker, Robert

⁷ "a theory of conditionals"

⁸ Lewis, David Kellogg (1941 – 2001)

⁹ "Counterfactuals"

¹⁰ antecedent-world

وجود دارد. نتیجه آنکه نظریه استالنیکی اصل طرد شق ثالث شرطی^۱ را به دست می‌دهد حال آنکه رویکرد رویکرد لویس به چنین دستاوردی نمی‌رسد (نقل از کمنت ۲۰۰۵: ۴۲۷).

به عقیده تراوگوت^۲ و همکاران (۱۹۸۶: ۱۶) جملات شرطی در پیشرفت نظام‌های منطق نقشی دوگانه بر عهده داشته‌اند: از یک طرف به عنوان ادات در سطح زبان عینی^۳؛ و از سویی دیگر در سطح فرازبان به عنوان یک رابطه دارای صدق بین مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌های صادق و نتایج آن‌ها.

از آنجایی که ادامه این مباحث در حیطه تخصصی منطق قرار می‌گیرد و از حوزه پژوهش حاضر خارج است به همین معرفی کوتاه بسنده می‌کنیم.

۲-۲. رویکردهای دستورنویسان و زبان‌شناسان

در این بخش، نخست نظر چند دستورنویس زبان انگلیسی در مورد جملات شرطی بیان می‌شود. دستورهای مورد استناد جملگی در پی ارائه توصیفی از زبان انگلیسی هستند و از این نظر حائز اهمیت اند. سپس پاره‌ای از نظرات ابراز شده توسط زبان‌شناسان، عموماً درباره زبان انگلیسی، بیان خواهند شد. سعی بر آن بوده تا نمونه‌ای از رویکردهای گوناگون زبان‌شناسی در این بخش ارائه شوند.

کوئیرک و همکاران^۴ (۱۹۸۵) علی‌رغم آنکه فصل یا بخش خاصی را به شرطی‌ها اختصاص نداده‌اند اما در چند مثال از جملات شرطی استفاده کرده‌اند. مهم‌ترین اشارات آن‌ها یکی در هنگام بحث از استفاده از زمان‌های مختلف است که برای برخی زمان‌ها، جملات شرطی را به عنوان نمونه و مثال استفاده از آن زمان آورده‌اند؛ و دیگری به هنگام بحث در مورد وابسته‌های همبسته^۵ است که *if...then* را در کنار عباراتی همچون *once then, since then, unless then* قرار داده و مورد بررسی قرار می‌دهند.

هادلستون^۶ (۱۹۸۸: ۶۴) به هنگام بحث در مورد افزوده‌ها^۷ دو مثال زیر را ذکر می‌کند:

¹ principle of conditional excluded middle

² Traugott, Elizabeth Closs

³ object-language

⁴ Quirk, Ralph

⁵ correlative subordinators

⁶ Huddleston, Rodney

⁷ adjuncts

(2.3) [I went home] because I had no money left.

(2.4) [It bounces] if you drop it.

وی متذکر می‌شود که در هر دوی این جملات با افزوده سروکار داریم؛ اما در هر یک با دو نوع مختلف افزوده روبرو هستیم. در مثال (۲.۳) افزوده از نوع علت^۱ و در مثال (۲.۴) از نوع شرط^۲ است.

او سپس (همان: ۱۴۶) منفی‌سازی^۳ در جملات دارای افزوده را به معنای مثبت‌نبودن^۴ گرفته و مثال زیر را برای یک جمله دارای افزوده از نوع شرط که منفی شده است می‌آورد:

(2.5) If it get any worse [call the doctor.]

وی در بخش مربوط به وابستگی^۵ بندها (همان: ۱۵۵) به معرفی وابسته‌سازها پرداخته و تاکید می‌کند که وابسته‌سازها عموماً چیزی نیستند جز یکی از انواع نشانگرهای ساختاری^۶ برای وابسته‌سازی بندها. به زعم وی، وابسته‌سازها را نمی‌توان به عنوان هسته ساختاری^۷ که به آن داخل می‌شوند محسوب نمود؛ مانند مثال زیر:

(2.6) [I believe] (that) she can do it.

وی در فصل مربوط به هم‌پایگی (همان: ۲۰۲) چنین اظهار نظر می‌کند که "and" و "or" می‌توانند با معنایی که تلویحاً رابطه شرطی را نشان می‌دهد به کار روند. مانند جملات زیر:

(2.7) Come early and you'll be able to see the boss.

(2.8) Come early or you won't be able to see the boss.

که وی این دو جمله را به ترتیب معادل جملات زیر در نظر می‌گیرد:

(2.9) If you come early you'll be able to see the boss.

(2.10) If you don't come early you won't be able to see the boss.

¹ reason

² condition

³ negation

⁴ non-affirmative

⁵ subordination

⁶ subordinator

⁷ structural marker

⁸ construction